

انسان برای عشق و محبت آفریده شده است (راز مقدس ازدواج)



فهرست مطالب

انسان برای عشق و محبت آفریده شده است

I. داستان آفرینش

II. انسان - برای عشق و محبت تعیین شده است

راز مقدس ازدواج

۱. انجیل راجع به ازدواج چه می گوید؟
۲. آیا ازدواج یک راز مقدس است؟
۳. چه کسی راز مقدس ازدواج را ارائه می دهد؟
۴. ساختار راز مقدس ازدواج از چه چیز تشکیل شده است؟
۵. آیا مرد و زن در عهد و پیمان ازدواج یکسان هستند؟
۶. ابعاد طبیعی راز مقدس ازدواج چیست؟
۷. صفات طبیعی ازدواج چیست؟
۸. آیا عهد و پیمان ازدواج قابل فسق است؟
۹. هنگام بستن عهد و پیمان ازدواج چه روی می دهد؟
۱۰. تأیید (قبول و پذیرش) ازدواج بر چه پایه ایست؟
- ۱.۱۰. خطبه کوچک عقد
- ۲.۱۰. خطبه بزرگ عقد
- ۳.۱۰. خطبه عقد، بوسیله بله - گفتن
۱۱. چه موانعی برای یک ازدواج وجود دارد؟
۱۲. فرم بستن عهد و پیمان ازدواج از چه تشکیل شده است؟
۱۳. چگونه، ازدواج انجام می شود؟
۱۴. هدف ماوراء طبیعی راز مقدس ازدواج چیست؟
۱۵. در ازدواج راز مقدس چه امور روحانی می تواند وجود داشته باشد؟
۱۶. نظر کلیسا راجع به بکارت مرد و زن چیست؟
۱۷. بین راز مقدس تقدیس و تدهینی کشیشی و ازدواج، چه ارتباطی وجود دارد؟
۱۸. آیا ازدواج امری (فراخوانی) الهی است؟
۱۹. آیا کنترل موالید در خانواده اجازه می باشد؟
۲۰. چگونه می توان تعداد فرزندان را معین کرد؟
۲۱. نظر کلیسا راجع به ازدواجها با مذاهب مختلف چیست؟
۲۲. نظر کلیسا راجع به ازدواجهای امتحانی چیست؟
۲۳. کلیسا راجع به اشخاص طلاق گرفته ای که دوباره کرده اند، چه می گوید؟

انسان برای عشق و محبت آفریده شده است

انسانها با هم فرق دارند: یکی فقط برای موزیک زنده است، دیگری فقط دنیای تکنیک را می شناسد، و نفر سوم مایل است فقط دنیای طبیعت را کاوش کند. اما آیا انسانی یافت می شود که به عشق و محبت اشتیاق نداشته باشد؟ تمام افسانه ها، داستانها، فیلمها و حتی تجربیات انسانها در تمامی اعصار و انسانهای ملتهای مختلف این را ثابت می کنند که: انسانها در این جهان به هیچ چیز به اندازه عشق و محبت نیاز ندارند و چیزی بالاتر از عشق و محبت وجود ندارد که ما با تار و پود قلبمان اینچنین مشتاق آن باشیم و هیچ چیز همانند عشق و محبت انسان را خوشبخت نمی کند.

I. داستان آفرینش

همچنین انجیل نیز از عشق و محبت سخن می گوید و درست در همان آغاز آفرینش جهان خداوند آدم را آفرید و او را در باغ عدن که برای او آماده شده بود، قرار داد. با این وجود آدم خوشبخت و شاد نبود. درون او نا آرام بود حتی با اینکه نمی دانست دلیل این نا آرامی چیست. اما خدا مشکل مخلوق خود را می دید. خداوند فرمود: "شایسته نیست آدم تنها بماند. باید برای او یار مناسبی بوجود آورم." (پیدایش ۲: ۱۸)

اما اینچنین به نظر می رسید که گویا خدا نیز نمی داند چگونه به مخلوق خود کمک کند. او حیوانات را آفرید و اینچنین کمی سر انسان گرم شد. آدم به حیوانات توجه کرد و برای هر کدام از آنها نامی انتخاب کرد اما آنها نیز نتوانستند دلتنگی و نا آرامی او را آرام کنند. آدم همچنان به دنبال موجود زنده ای می گردد که یار مناسبی برای او باشد و چون چنین موجودی را در میان موجودات زنده نمی یابد، غصه دار و غمگین می شود. اما قلب او اشتباه نمی کند و هر چند که حیوانات جالب و زیبا بودند، "باز هم نتوانست یار مناسبی در میان آنها برای خود بیابد." (پیدایش ۲: ۲۰)

پس خدا انسان را درک کرد و آنطور که در کتاب مقدس آمده "آنگاه خداوند آدم را به خواب عمیقی فرو برد و یکی از دنده هایش را برداشت و جای آن را با گوشت پر کرد و از آن دنده زنی سرشت و او را پیش آدم آورد." (پیدایش ۲: ۲۱)

در این داستان عجیب معنی و مفهومی عمیق که در تمام اعصار و زمانها اعتبار دارد، نهفته است. با تمام تفاوتهایی که زن و مرد با هم دارند از یک جنس هستند این قسمت از متن کتاب مقدس که به زبان عبری نوشته شده است، این شباهت زن و مرد با وجود تفاوتهایشان را، با بازی با کلمات عبری بسیار جالب تشریح می کند. زیرا به زبان عبری به مرد "isch" و به زن "ischah" می گویند و ترجمه آن به فارسی تقریباً اینطور معنی می دهد "مرد" و "مرده". این متن این را

می گوید: که زن کاملاً شبیه مرد است، بجز صورت ظاهری او که او را به یک زن تبدیل می کند. پس زن هم شبیه مرد است و هم با او تفاوت دارد.

به دلیل این مساوی بودن و شبیه بودن واقعی مرد و زن است، که می توان فریاد شادی آدم در صبح خلقت زن را فهمید. آدم با شادی گفت: "این است استخوانی از استخوانهایم، و گوشتی از گوشتم." (پیدایش ۲: ۲۳) بالاخره آن تنهایی جانگداز به پایان رسید، و انسان آنچه را که مشتاق و دلنگش بود یافت. او بسیار خوشحال و سعادتمند است و آنچه را که در موقعیت او صحیح است، انجام می دهد: "به این سبب است که مرد از پدر و مادر خود جدا می شود و به همسر خود می پیوندد و از آن پس آن دو یکی می شوند. آدم و حوا هر چند برهنه بودند، ولی خجالت نمی کشیدند." (پیدایش ۲: ۲۴-۲۵)

پس انجیل در همان آغاز پیدایش جهان، از عشق و محبت بین زن و مرد سخن می گوید. این عشق و محبت اختراع خداوند است و نه کار روحی شریر و محصول حادثه ای کورکورانه. نه، چون وقتی خدا انسان را آفرید، او را شبیه خود آفرید. خداوند نیز در کاملیت سه شخصیت (پدر، پسر و روح القدس) زندگی می کند. به این دلیل انسانی که شبیه خدا آفریده شده است نمی تواند تنها زندگی کند. سرنوشت او بیشتر، مشارکت و زندگی با دیگران است و زندگی او با عشق و محبت است که کامل می گردد.

پس وقتی گفته می شود انسان شبیه خداست، هم مرد و هم زن، یعنی هر دوی آنها شبیه خدا هستند و اشتراک زن و مرد در ازدواج را، می توان فقط به عنوان اشتراک عشق و محبت پر ثمر، فهمید و این دوباره خدا را به یاد ما می آورد. اما خدا نه زن است و نه مرد. اما مرد، مردانگی و پدرانگی بودن، و زن، زنانگی و مادرانه بودن، راز محبت خدایی را برای ما واضح و روشن می کند.

II. انسان برای عشق و محبت تعیین شده است.

انسان چیست؟ فیلسوفان به این پرسش اینگونه پاسخ داده اند: "Homo animal rationale" یعنی: انسان حیوانی عاقل و باشعور است. این جواب در سرزمین های مسیحی قدیم مغرب زمین نیز متداول است. مسلماً کلمه "عاقل و باشعور" در این زمینه بیش از "عاقل و باشعور" بودن در زمینه های مثلاً اقتصادی امروزی یا "ازدواجی عاقلانه" معنی می دهد. در این زمینه "عاقل و باشعور" کسی است که رفتاری درست و صحیح دارد. پس فقط آن اقتصاددانی عاقلانه عمل می کند که در روابط و امور اقتصادی هرگونه عدالت اجتماعی را در نظر گیرد و آن ازدواجی "ازدواج عاقلانه است" که فقط از روی عشق و محبت صورت می گیرد. در این زمینه مکسی میلیان کلمه "عاقل و باشعور" بود، زیرا او به خاطر برادر هم زندانی خود، گرسنگی کشیدن را بر جان خرید. اگر

انسان بیشتر راجع به این "عقل و شعور" انسانی فکر و سؤال کند (می توان اینچنین نیز گفت: راجع به روح و روان و شخصیت انسانی)، که چرا اصلاً این عقل و شعور به انسان داده شده است، با عمیقترین و مهمترین توضیح داده شده، راجع به انسان، برخورد می کند. جواب این سؤال که انسان چیست این است: انسان موجود زنده ای است که قادر است عشق بورزد و محبت کند- Homo capax amoris. پس انسان، "تنها مخلوق روی زمین" است که "اراده خدا را خواسته است" یعنی تنها مخلوقی است که به خاطر عشق و محبت آفریده شده است. از روی این تعیین انسان برای عشق و محبت، که طبیعت و ذات واقعی اوست چنین ترتیبی به وجود می آید: انسان، نمی تواند بوسیله کسب افتخارات، یا موفقیت در ورزش و یا بوسیله اکتشافات و اختراعات فنی و علمی، به حقایق انسانی خود دست یابد. زندگی واقعی او براساس عشق و محبت است که بنا می شود، یا از بین می رود. عظمت حقیقی و دائمی انسان، از عشق و محبت تشکیل می شود: "اگر عطای نبوت داشته باشم و از رویدادهای آینده با خبر باشم و همه چیز را درباره هر چیز و هر کس بدانم اما انسانها را دوست نداشته باشم چه فایده ای به ایشان خواهم رساند؟ یا اگر چنان ایمانی داشته باشم که به فرمان من کوه ها جابجا گردند، اما انسانها را دوست نداشته باشم، باز هیچ ارزشی نخواهم داشت. (اول قرننیان ۲: ۱۳)

هیچ کس مانند پاپ ژان پل دوم، این تعیین انسان برای عشق و محبت را در مرکز افکار خود، قرار نداده است. اگر روزی بخواهند متنی از بیانات این پاپ را به عنوان میراث معنوی او بر روی لوح سنگی بنویسند مطمئناً این قطعه را انتخاب می کنند: "Familiaris consortio". پاپ در این متن، وظیفه انسانها برای عشق وزیدن و محبت کردن را در سه مرحله توضیح می دهد:

- خدا محبت است.
 - انسان شبیه خداوند است.
 - پس "محبت اصلی ترین و طبیعی ترین وظیفه درونی انسانهاست".
- این رمز و کلید فهمیدن انسانهاست: "انسان نمی تواند بدون عشق و محبت زندگی کند". انسان، برای خود موجودی غیر قابل درک باقی می ماند و زندگی او بی معنی است، اگر او با عشق و محبت روبرو نشود، اگر او عشق و محبت را تجربه نکند، اگر او با این عشق و محبت یکی نشود و اگر او در این عشق و محبت به طور زنده سهیم نباشد. به خصوص انسان یا در چهارچوب ازدواج با این عشق و محبت زندگی می کند و یا در کمال تعجب در مجرد زندگی کرد به خاطر خدا.
- اگر آنچه که گفته شد حقیقت داشته باشد اینطور نتیجه می گیریم: زمانی می توان معنی واقعی امور جنسی را درک کرد که آن را به عنوان قدرت اسرارآمیزی که "شخص به فدا کردن کامل خود در محبت" هدایت می کند. پس بیداری در

امور جنسی به هیچ عنوان از دست دادن معصومیت کودکانه معنی نمی دهد. اما حتی تا چند دهه اخیر در اروپا، اکثر مردم طور دیگری فکر می کردند. چون آنها امور جنسی را نجس و ناپاک می پنداشتند. ولی امروزه مردم به بدن انسانی و امور جنسی به چشم دیگری نگاه می کنند، یعنی از دیدگاه تعالیم کلیسایی. پس بیداری در امور جنسی، سعادت، هدیه و ثروت معنی می دهد (با وجود بسیاری از مشکلاتی که والدین با فرزندان نوجوان خود دارند و می دانیم که ورود نوجوانان به دنیای بلوغ بدون مشکل نیست). و از این موضوع نتیجه بعدی را می گیریم: آنچه که ما "اخلاق در امور جنسی" می نامیم، در واقع همان "اخلاق در عشق و محبت" است.

عشق و محبت مهمترین چیز در زندگی است. انسان در درجه اول، موجود متفکر، طراح، مخترع و فعال نیست، بلکه انسان در درجه اول موجود زنده ای است که قادر است عشق بورزد و محبت کند.

عیسی مسیح می گوید: "هرکه زندگی اش را فدا کند، آن را به دست خواهد آورد" (مرفس ۸: ۳۵). از این رو کلیسا مسیر تفاهم خود را به سوی عشق و محبت تغییر می دهد. ذات حقیقی محبت، "فداکاری صادقانه" است و به وسیله آن است که تعیین شدن انسان برای عشق و محبت، تحقق می یابد.

راز مقدس ازدواج

۱. انجیل راجع به ازدواج چه می گوید؟

حتی در همان عهد عتیق نیز، به عهد و پیمان دو نفر در ازدواج، اشارات زیادی شده است. ملاکی نبی (در عهد عتیق) راجع به پیمان ازدواج چنین می گوید: خداوند خود شاهد پیمان ازدواج دو نفر است و او شکستن این پیمان وفاداری را به شدت محکوم می کند. در داستان آفرینش انسان، خداوند بعد از خلقت حوا، به آدم چنین گفت: "به این سبب است که مرد از پدر و مادر خود جدا می شود و به همسر خود می پیوندد، و از آن پس آن دو یکی (یک جسم) می شوند" (پیدایش ۲: ۲۴). عیسی برای مخالفت کردن با طلاق در اسرائیل، به آنها اخطار می دهد. او طلاق را محکوم می کند، زیرا در طلاق به نظم و ترتیب آفرینش، بخصوص به زن ناحق می شود. عیسی می گوید: "مگر شما کتاب آسمانی را نمی خوانید؟ در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت، پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود و برای همیشه به زن خود بپیوندد و با او یکی شود، به طوری که آن دو نفر دیگر دو تن نیستند بلکه یک تن. هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است جدا کند" (متی ۱۹: ۴-۶).

پولس رسول نیز در این رابطه چنین می گوید: "شوهر باید همسر خود را مانند وجود خود دوست داشته باشد و زن نیز باید با اطاعت از شوهر خود، او را احترام کند" (افسیان ۵: ۳۲).

۲. آیا ازدواج یک راز مقدس است؟

برای مارتین لوتر (بانی پروتستان ها)، ازدواج امری است که به نظم و ترتیب آفرینش تعلق دارد و به نظم و ترتیب نجات و شفا مربوط نمی شود. پس ازدواج برای لوتر امر و مسئله ای دنیوی می باشد. اما برای کاتولیکها، گواهی کتاب مقدس راجع به ازدواج، سند موثقی برای راز مقدس بودن ازدواج است. ازدواج تا حدودی "اسرار آمیزترین راز مقدس" است. زیرا در ازدواج، طبیعی و مافوق طبیعی، انسانیت و الوهیت، امور حقوقی و برکات، به روشی بسیار دقیق به هم متصل می شوند، به طوری که به سختی می توان، عمق و معنی این پیوستگی و اتصال را در تمامی عملکردها و نتایجش درست فهمید و شناخت.

۳. چه کسی راز مقدس ازدواج را ارائه می دهد؟

این عروس و داماد هستند که در ازدواج، این راز مقدس را به یکدیگر ارائه می دهند و این راز مقدس به وسیله قبول و اراده آزاد زن و مرد، که شرایط قانونی و حقوقی برای ازدواج را دارا هستند، به وجود می آید. خواست و اراده آزاد آنها از این تشکیل می شود که "مرد و زن در پیمانی که غیر قابل فسخ است، خود را به یکدیگر هدیه می کنند و یکدیگر را می پذیرند، تا بدین وسیله ازدواج را بنا کنند".

۴. ساختار راز مقدس ازدواج از چه چیز تشکیل شده است؟

ساختار تمام راز مقدس ها از برخورد و رو در رویی با مسیح، یکی شدن با مسیح و جلال و شکوه دادن به مسیح، تشکیل شده است. مهمترین مسئله در ازدواج، عهد و پیمانی است که توسط زن و مرد بسته می شود. در ازدواج که در واقع عهد و پیمان بستن بین زن و مرد است، مسیح شخص سوم در این عهد و پیمان است. عهد و پیمان ازدواج مسیحی در خداوند بسته می شود و بدینوسیله راز مقدس ازدواج خلاصه ای از کلیساست. مسیح "کلیسا" و "ازدواج" را با بند محبت نجات بخش خود، به هم می بندد و آن بندی که مسیح با آن کلیسا را به هم می بندد در فرم کوچکتری عهد و پیمان ازدواج را نیز به هم می بندد. "پس ازدواج تصویری است از رابطه اسرارآمیز مسیح با کلیسایش". همانگونه که مسیح خود را فدای کلیسا کرد، زن و شوهر نیز باید همانطور خود را به همدیگر هدیه دهند و یکدیگر را بپذیرند. بدین ترتیب ازدواج تعمید گرفتگان، تبدیل به "سمبل واقعی عهد جدید و ابدی" می گردد، عهدی که با خون مسیح بسته شده است.

۵. آیا مرد و زن در عهد و پیمان ازدواج یکسان هستند؟

ازدواجی که براساس فداکاری شخصی دو انسان نسبت به یکدیگر بنا می گردد، براساس یکسان بودن مرد و زن در این عهد و پیمان بنا می شود. خداوند هم به زن و هم به مرد، ارزش شخصی، و حق و حقوق یکسانی هدیه می دهد. خداوند به زن چنان ارزش و لیاقت والایی هدیه داد، که خود در "مریم باکره" جسم پوشید و انسان شد و ارزش و لیاقت مردان در این است که "پدر بودن خدا" را بر روی زمین قابل رویت و قابل درک و فهم می سازند.

۶. ابعاد طبیعی راز مقدس ازدواج چیست؟

ابعاد طبیعی راز مقدس ازدواج براساس خیرخواهی برای زوج یا زوجه و بچه دار شدن، بنا شده است. مرد و زن هنگام بستن پیمان ازدواج به یکدیگر قول می دهند که حاضرند فرزندانی را که خداوند در این ازدواج به آنها هدیه می دهد قبول کنند و آنها را طبق روح مسیح و کلیسا تربیت کنند. اگر مرد یا زن، هنگام بستن عهد و پیمان ازدواج اعلام کنند که حاضر نیستند در این ازدواج بچه دار شوند در واقع این ازدواج اعتبار ندارد. زیرا ازدواج برای این است که عشق و محبت بین زن و مرد رشد و نمو کند و کامل گردد. به این دلیل ازدواج اشخاصی که بچه دار نمی شوند نیز معتبر است و به این دلیل هم ارزش و اعتبار دارد و هم غیر قابل فسق است.

ازدواج عشق و محبت زن و شوهر، براساس، بچه دار شدن و تعلیم و تربیت مسیحی نسل بعدی بنا شده است و تازه در اینجاست که بهاء و ارزش واقعی خود را به دست می آورد.

۷. صفات طبیعی ازدواج چیست؟

صفات اصلی ازدواج، یکی شدن و غیر قابل فسق بودن ازدواج است و این صفات در ازدواج مسیحی، بخاطر راز مقدس بودن ازدواج، استحکام بخصوصی را نیز خواهان است. در نوشته های آماده سازی زوج برای قبل از ازدواج، و در نوشته های متن عهد و پیمان ازدواج کلیسایی، از زن و مرد سؤال می شود که آیا حاضرند که در ازدواج به زوج یا زوجه خود وفادار بمانند و این عهد و پیمان را برای همیشه ببندند.

ازدواج در واقع "یکی کردن بدن، خصوصیات، قلب، افکار و آرزوها و روح و روان است". و یکی بودن، با چند همسری و تردد ازدواج مغایرت دارد. ازدواج خواهان وفاداری مرد و زن، تا هنگام مرگ است و در ازدواج هرگونه شکستن عهد و پیمان ازدواج (زنا) و طلاق، رد می شود.

پایه ازدواج در این بنا شده است که زن و مرد بدون وقفه همواره خود را به یکدیگر هدیه کنند و بدینوسیله ازدواج تبدیل به سازمانی در جامعه می گردد، که براساس نظم و قانون خداوندی بنا شده است. پس عهد و پیمان ازدواج، به دست خودخواهی و خودسری انسانها داده نمی شود.

۸. آیا عهد و پیمان ازدواج قابل فسق است؟

"عهد و پیمان ازدواجی که معتبر، بین زن و مرد تعمیم گرفته" بسته شده است را، نمی توان با هیچ قدرت انسانی و به هیچ دلیل بجز مرگ، فسق کرد". پس پیمان ازدواج بین دو تعمیم نگرفته زمانی فسق می شود، که بعد از تعمیم، ایمان یکی از آنها توسط دیگری در معرض خطر قرار گیرد. ازدواجی ناموفق می تواند به علتی قانع کننده، مثلاً وارد شدن به یک دیر یا صومعه، و یا به علت پریشانی و آشفتگی در ازدواج، فقط به وسیله پاپ، فسق شود.

اگر یک ازدواج معتبر، به علت عدم توافق عقاید دو طرف، یا به علت عدم ترکیب مناسب (متفاوت بودن دو طرف) و یا به دلایل دیگر (البته غیر از دلایلی که خود به خود، مانع بستن پیمان ازدواج می شوند) اصلاً سرانجام نگیرد، کلیسا می تواند بوسیله دو حکم از طرف دو شورای اسقفی و رأی آنها حکم طلاق را صادر کند. تا زمانی که این رأی از طرف شورا اعلام نشده، کلیسا این ازدواج را معتبر میدانند.

۹. هنگام بستن عهد و پیمان ازدواج چه روی می دهد؟

هنگام بستن عهد و پیمان ازدواج، زن و مرد به راهی که تا آخر عمر ادامه دارد، وارد می شوند و این پیمان بعد از بسته شدن، غیر قابل فسق می باشد. ازدواج راز مقدسی، در واقع مشارکت دائمی مرد و زن است. این ازدواج نشانه ای است از مشارکت دائمی مسیح با کلیسایش. اگر این راز مقدس ازدواج بین زن و مردی اجرا گردد، آن دو "تا زمانی که مرگ آنها را از هم جدا سازد" به هم متصل می شوند.

۱۰. اعتبار ازدواج بر چه پایه ای است؟

زمانی می تواند این پیمان ازدواج بسته شود و معتبر خوانده شود، که زن و مرد هر دو آزادانه و داوطلبانه برای بستن این عهد و پیمان حاضر باشند و این عمل آزادانه و داوطلبانه را بوسیله یک نشانه ظاهری به اطلاع همه برسانند. خطبه عقد می تواند به سه طریق انجام شود و البته هر سه طریق در کلیسای کاتولیک اعتبار دارد:

(۱) خطبه عقد کوچک

کشیش یا دیاکن از عروس و داماد می خواهد که آنها قول ازدواج را بیان کنند، آنها می توانند چنین بگویند:

"نام عروس یا داماد گفته می شود، در حضور خدا تو را به عنوان زن (شوهر) خود قبول می کنم و این حلقه را به نشانه عشق و وفاداری به دستت می کنم. به نام پدر، پسر و روح القدس".

۲) خطبه بزرگ عقد

"نام عروس یا داماد گفته می شود، تو را به عنوان زن (شوهر) خود قبول می کنم و به تو قول وفاداری می دهم چه در روزهای خوش و چه در روزهای بد، چه هنگام تندرستی و چه هنگام بیماری. می خواهم تا زمانی که زنده ام به تو محبت و توجه کنم و به تو احترام گذارم. این حلقه را به نشانه عشق و وفاداری به دست کن. به نام پدر، پسر و روح القدس".

۳) خطبه عقد، بوسیله بله گفتن

در این روش، کشیش یا دیاکن خطبه عقد را بوسیله سؤال و جواب، جمله بندی می کند و عروس داماد با بله گفتن به آن جواب می دهند. در اینجا خواندن خطبه عقد و جواب آن به هنگام به دست کردن حلقه هایی که قبلاً تقدیس شده اند، صورت می گیرد. بعد از آن عروس و داماد دستهای خود را روی هم می گذارند و کشیش یا دیاکن شال خود را دور دستهای آنها می پیچد و اینچنین پیمان ازدواجی را که عروس و داماد در حضور خدا و در کلیسا بسته اند، تأیید می کند و همه آنانی که در این جشن حضور دارند، شاهد این عهد و پیمان مقدس هستند. "انسان اجازه ندارد، آنچه را که خدا به هم پیوند داده، از هم جدا سازد".

سپس کشیش زوج را با دعای برکتی، برکت می دهد و تقدیس می کند، سه دعای برکتی برای این تقدیس کردن وجود دارد و می توان یکی از آنها را برای مراسم ازدواج انتخاب کرد.

۱۱. چه موانعی برای یک ازدواج وجود دارد؟

براساس قانون اخلاق طبیعی و طبق قانون کلیسا، موانعی برای ازدواج وجود دارند، که بستن عهد و پیمان ازدواج را غیرممکن می کنند. اگر بعضی از این موانع، وجود داشته باشند، عهد و پیمان ازدواج باطل است، مثلاً ازدواج یک مسیحی با یک غیر مسیحی (ازدواج شخص تعمید گرفته با شخصی که تعمید نگرفته است)، یا ازدواج با بستگان نزدیک (مثلاً ازدواج خواهر و برادر با یکدیگر ممنوع می باشد). بعضی از عهد و پیمانهای ازدواج به مرور زمان و به خودی خود فسخ می شوند، مثلاً پایین بودن سن هنگام ازدواج، و یا مرگ همسر.

۱۲. فرم بستن عهد و پیمان ازدواج از چه تشکیل شده است؟

کاتولیکهایی که بطور رسمی از کلیسا بیرون نیامده اند، باید طبق این فرم ازدواج کنند. یعنی اگر مرد یا زن کاتولیک هستند، یک کشیش یا یک دیاکن، باید خطبه عقد را در حضور دو شاهد، از آنان سؤال کند. گاهی اوقات به علت قرار گرفتن

در شرایطی استثنایی می توان از این فرم، بستن عهد و پیمان ازدواج، چشم پوشی کرد. غیر مسیحیان و افرادی که بطور رسمی از کلیسای کاتولیک بیرون آمده اند، در اداره ثبت احوال ازدواج می کنند، اما ازدواج آنها حتی اگر آنها از آن آگاه نباشند، ازدواجی است راز مقدسی و معتبر.

۱۳. چگونه ازدواج صورت می گیرد؟

"در این دوره و زمانه ما نیز، عشق واقعی بین مرد و زن در ازدواج، ... دارای ارزش و اعتبار والایی است عشق و محبت به وسیله انجام عمل ازدواج، به طور مخصوصی نشان داده می شود و به حقیقت می پیوندد. پس هر عملی که باعث نزدیکتر شدن زن و شوهر به یکدیگر شود، دارای ارزش والای اخلاقی است. اگر این اعمال انسانی و عادل باشند، بیان کننده حضور متقابل دو طرف هستند و اگر زن و شوهر به عمق آن وارد شوند و به آن بپردازند، می توانند هر دو متقابلاً در شادی و تشکر از خدا، رشد کنند.

۱۴. هدف ماوراء الطبیعی راز مقدس ازدواج چیست؟

راز مقدس ازدواج باید افراد را به سوی خدا هدایت کند، تا بوسیله آنها "کاملتر شوند و به سوی مقدس شدن متقابل هدایت شوند و با یکدیگر خدا را جلال دهند". خداوند همه انسانها را فرا خوانده تا برای قدوسیت سعی و تلاش کنند و این شامل حال همسران و والدین مسیحی نیز می شود. یعنی خداوند آنها را نیز فرا خوانده تا به سوی قدوسیت در حرکت باشند. بوسیله راز مقدس ازدواج، این قدوسیت در والدین و همسران نقش می بندد و در چهارچوب بخصوصی زندگی زناشویی و زندگی خانوادگی واقعیت می یابد. برای زن و شوهرهای مسیحی، ازدواج مسیحی، در راه تکامل، معنی و مفهوم خاصی دارد. "زن و شوهر مسیحی برای یکدیگر و برای بچه های خود و باقی خویشاوندان، همکار فیض و برکت خدا و شاهدان ایمان می باشند.

۱۵. در ازدواج راز مقدس چه امور روحانی می تواند وجود داشته باشد؟

زن و شوهر مسیحی و خانواده، تشکیل کلیسای خانگی را می دهند. آنها برای یک زندگی لیتورگی در کلیسا، شرکت در مراسم های نان و شراب مقدس و اجرای بقیه راز مقدسها فرا خوانده شده اند.

برای به انجام رساندن یک زندگی مشترک مسیحی، دعاها، ساعات بخصوص، دعای صبحگاهی، دعای شبانه، دعای سر میز غذا، خواندن کلام خدا، دریافت راز مقدسها، تکریم و تجلیل قلب عیسی، تکریم و تجلیل مادر خداوند و بخصوص خواندن دعای تسبیح مریم توصیه می شود. این دعاها به منظور گریز از گرفتاریهای روزانه انجام نمی شود بلکه آنها نیروی محرک نیرومندی برای انجام

وظایف و تکالیف خانوادگی می باشند. "خانه و خانواده، کلیساهای کوچک یا کلیساهای خانگی هستند، که پایه آنها براساس راز مقدسها بنا شده است، پس باید ازدواج و خانواده مانند مدرسه ایمان و مکان دعای دسته جمعی باشند".

۱۶. نظر کلیسا راجع به بکارت مرد و زن چیست؟

کنسیل ترینت و دومین کنسیل واتیکان، تعلیم می دهد که قبل از ازدواج کلیسایی هم مرد و هم زن باید پاکدامن باشند، و هم مجرد. پاپ ژان پل دوم می گوید: "مجرد بودن و باکره بودن، هر دو راههایی هستند که راز عهد خدا با قومش را به تصویر می کشند. بدون توجه و دقت کردن به ازدواج، زندگی پاک وقف شده به خدا نیز وجود ندارد. اگر به امور جنسی انسانی، به عنوان ارزش و اعتباری والا، نگاه کرده نشود، پس وقتی اشخاصی نیز به خاطر خدا و آسمان، از امور جنسی صرفنظر می کنند نیز بی معنی و بی مفهوم باشد. زن و شوهرهای مسیحی این حق را دارند که از اشخاصی که تا آخر عمرشان از امور جنسی صرفنظر می کنند تا خود را وقف خدا کنند، الگو و نمونه بگیرند، برای قول وفاداری که تا آخر عمر برای ازدواج می دهند. همانگونه که در زندگی زناشویی گاهی اوقات وفادار ماندن سخت و دشوار است و خواهان ایثار، جهاد با نفس و از خودگذشتگی است، زندگی پاک وقف شده به خدا نیز می تواند سخت باشد و باید در این نوع زندگی نیز با نفس خود جنگید و ایثارگر و از خودگذشته بود.

۱۷. بین راز مقدس تقدیس و تدهینی کشیشی و ازدواج، چه ارتباطی وجود دارد؟

راز مقدس ازدواج، زن و شوهر را برای تعلیم و تربیت مسیحی کودکانشان، تدهین و تقدیس می کند. این مسئولیت، "شغل" واقعی و مهم کلیساست برای بنای اعضای خود و می توان آن را با شغل کشیشی مقایسه کرد: کشیشان به وسیله مسئولیت و وظیفه شغلی که هنگام تدهین و تقدیس کشیش به آنها واگذار می گردد، از روح و روان کودکانشان محافظت می کنند. همان راز مقدسی که مرد و زن را به هم می پیوندد تا فرزندان تولیدمثل کنند و آنها را برای جلال خدای پدر تربیت کنند.

۱۸. آیا ازدواج امری است الهی؟

ازدواج یک امر الهی است و خداوند خود افراد را به سوی این امر فرا می خواند. ازدواج تکاملی عینی است برای فراخوانی عمومی (که شخص مسیحی هنگام تعمید دریافت کرده) به سوی قنوسیت. پس ازدواج امری مسلم، یا قسمت و سرنوشت نیست، بلکه خداوند خود اشخاص را برای ازدواج فرا می خواند. "زن و شوهر باید خود را بوسیله وفاداری با این فراخوانی، نشانه گذاری کنند و تسلیم غیرقابل فسق بودن ازدواج شوند. کشیش نیز باید چنین وفاداری به شغل

روحانی خود داشته باشد، به دلیل غیر قابل فسق بودن ویژگی هایی که راز مقدس تقدیس و تدهین کشیش بر قلب او نقش می زند.

۱۹. آیا کنترل مولید در خانواده اجازه می باشد؟

ازدواج و عشق و محبت زناشویی، بر پایه انتقال زندگی به نسل بعدی و تعلیم و تربیت فرزندان، بنا شده است. خداوند اجازه می دهد که زن و مرد با تولیدمثل و بسته شدن نطفه حیاتی جدید، در کار آفرینش او نقش داشته باشند. این مأموریتی است که فقط به عهده زن و شوهر واگذار شده است. "زن و شوهر این حق و اجازه را دارند که خانواده ای بنا کنند و برای فاصله سنی بین فرزندان و یا تعداد فرزندان شان تصمیم بگیرند".

زن و شوهر باید با ترس و احترام با خدا و با یکدیگر برای معین کردن تعداد فرزندان شان تصمیم بگیرند: "این تصمیم باید در حضور خدا و از طرف خود زن و شوهر گرفته شود".

این تصمیم باید براساس خیرخواهی برای فرزندان شان باشد چه آنهایی که به دنیا آمده اند و چه آنهایی که هنوز متولد نشده اند. زن و شوهر باید همچنین به امور مادی و معنوی دوره و زمانه خود توجه کنند و همچنین باید موقعیت کلی خانواده ها در جامعه و کلیسا را در نظر داشته باشند: "وجدانی که طبق قانون الهی استوار است، باید آنها را هدایت کند. آنها همچنین باید به تعالیم کلیسا، که این قانون الهی را در نور انجیل تفسیر می کند نیز، گوش دهند.

۲۰. چگونه می توان تعداد فرزندان را معین کرد؟

والدین نمی توانند برای مرگ و یا زندگی بچه های متولد نشده تصمیمی بگیرند: "پس باید از زندگی و حیات، از همان لحظه بسته شدن نطفه، با دقت فراوان حمایت کرد. کورتاژ کردن و قتل کودکان متولد نشده، جنایتی نفرت انگیز است". کیفیت اخلاقی هر عمل تنها بستگی به قصد و نیت خوب داشتن و دلایل مثبت داشتن ندارد (تنها قصد و نیت خوب داشتن نمی تواند عمل مرا شرعی کند) و همچنین به ذات درونی اعمالی که همیشه بد و خوب هستند نیز بستگی دارد. بنابراین به فرزندان کلیسا اجازه داده نمی شود که از راه های جلوگیری از حاملگی استفاده کنند که، تعالیم کلیسایی که در واقع تفسیر فرامین خداوندی است، را رد کند.

در رابطه با جلوگیری از حاملگی، کلیسا این تعلیم را می دهد: "پیوستگی دو مفهوم عمیقی که از طرف خدا معین شده (یعنی یکی شدن در عشق و محبت، و تولیدمثل) به ازدواج تعلق دارند و انسان اجازه ندارد خودسرانه این پیوستگی را از بین ببرد". پس هرگز اجازه نیست که این دو دیدگاه متفاوت را از یکدیگر جدا

ساخت، یعنی دیدگاهی که یا قصد تولیدمثل را شامل می شود یا رابطه زناشویی را در بر می گیرد".

"پس زن و شوهر قبل یا هنگام و یا بعد از عمل زناشویی، باید از هرگونه عملی که باعث جلوگیری از بستن نطفه می گردد، خودداری کنند". چون پاپ بعد از آزمایش فراوان بر سؤالات بوجود آمده، در این باره صحبت کرده است، "هر کاتولیک حتی اگر قبلاً برداشت دیگری از این موضوع داشته است، موظف است این تعلیم کلیسا را بپذیرد". این تعلیم کلیسایی را هم باید مانند دیگر تعلیم کلیسایی با درک مذهبی و اطاعت کردن فهمید و پیروی کرد.

پس اگر زن و مرد به علت محدودیتهای جسمی و روحی، تصمیم به مشخص کردن تعداد فرزندان می گیرند، طبق تعلیم کلیسا به آنها اجازه داده می شود که فقط از راه طبیعی جلوگیری از حاملگی استفاده کنند. طبق این روش عمل زناشویی فقط در روزهایی انجام می شود، که عمل لقاح در این روزها انجام نمی شود و بدین ترتیب می توان تعداد فرزندان را بدون جریحه دار کردن پایه و اساس اخلاق معین کرد. پس کلیسا به زن و شوهر اجازه می دهد و توصیه می کند که از روش طبیعی جلوگیری از حاملگی استفاده کنند (روش طبیعی جلوگیری از حاملگی NER). این روش جلوگیری که براساس عوارض و نشانه های گرمای بدن تنظیم می شود، در سالهای اخیر بسیار توسعه پیدا کرده است و اطمینان به آن به اندازه روشهای جلوگیری بوسیله قرصهای ضدحاملگی می باشد. در بسیاری از مناطق، مراکز مشاوره، کلاسهای برای NER ارائه میدهند، همچنین خانم ها و یا زوج هایی نیز برای یاد دادن این روش، پند و مشورت ارائه می دهند.

کلیسا روش طبیعی جلوگیری را توصیه می کند: "اگر زن و شوهر، بوسیله انتخاب زمان، ارتباط غیر قابل تفکیک برخوردار و تولیدمثل در رابطه جنسی انسان را قبول کنند، خود را تحت فرمان طرح خداوندی قرار می دهند و رابطه جنسی را به معنای واقعی آن که همانا ایثار کامل خود به طرف مقابل است، درک کرده اند و این ایثار کامل بدون تحریف و دستکاری کردن در آن صورت می گیرد".

در حالی که کلیسا، به نتایج تحقیقات علمی، برای شناخت بهتر و دقیقتر تناوب باروری زنانه، خوش آمد می گوید و محققین را برای پیشرفت در کار تحقیقات علمی شان در این زمینه تشویق می کند، یک بار دیگر بر مسئولیت همگانی تأکید فراوان می کند و به همه مسئولان متوسل می شود. به پزشکان، متخصصین، مشاوران ازدواج، مربی ها، زن و شوهرها، که به زوج های جوان کمک کنند تا عشق و محبت خود را با توجه به پایه و اساس و هدف اصلی عمل زناشویی، به یکدیگر بروز دهند. یعنی باید همه مصمم و با نظم و ترتیب دست به کار شوند تا دیگران نیز روش طبیعی جلوگیری را بشناسند، ارج نهند و به کار گیرند.

تمام زوجیهایی که از این روش استفاده می کنند می توانند شهادتی با ارزش در این باره بدهند. زوجیهایی که بوسیله سعی و تلاش دوجانبه برای خویشنداری متناوب، توانسته اند مسئولیت شخصی پخته و کاملی، نسبت به عشق و محبت و زندگی بدست آورند" (ژان پل دوم).

قبول کردن دوره ها و تناوبها، درواقع قبول کردن زمان شخصی و قبول کردن زن را معنی میدهد. با قبول کردن این مسائل ما توافق و گفت و گو با یکدیگر، توجه دوجانبه به یکدیگر، مسئولیت پذیری با یکدیگر و خویشنداری را قبول می کنیم. قبول کردن زمانها و گفت و گوی دوجانبه یعنی همزمان ویژگی های روحی و جسمی یکی شدن زناشویی را معتبر بدانیم و با وفاداری در عشق و محبت زندگی کنیم.

در اینجاست که زن و شوهر تجربه می کنند که به بکار بردن روش طبیعی جلوگیری، لطافت و نوازشگری و احساسات در عمل زناشویی (یکی شدن) افزایش می یابد و این لطافت و احساسات در عمل زناشویی در واقع روح و روان عمل زناشویی می باشند و همچنین بعد جسمی آن را نیز در بر می گیرد. بوسیله روش NER، هر چند یکبار امکاناتی برای خویشنداری جنسی بوجود می آید. اما کنسیل، درباره خطرات خویشنداری مداوم نیز، هشدار می دهد: "در جایی که از روابط نزدیک زناشویی، خودداری می شود، اغلب وفاداری زن و شوهر به خطر می افتد و به فرزندان نیز آسیب وارد می شود. پولس رسول نیز در این مورد اینچنین می گوید: "بنابر این شما زوجها از رابطه زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید، مگر برای مدتی محدود و با توافق طرفین تا بتوانید به طور کامل خود را وقف روزه و عبادت نمایید. اما بعد از این مدت، روابط عادی زناشویی را از سر بگیرید، تا مبادا شیطان شما را به علت عدم تسلط بر نفس در وسوسه اندازد" (اول قرنیتان ۷: ۵).

۲۱. نظر کلیسا راجع به ازدواج زوجها با مذاهب مختلف چیست؟

ازدواج بین یک کاتولیک و یک غیر کاتولیک، "بدون اجازه مقام مقتدر رسمی، ممنوع می باشد". فقط زمانی می توان اجازه ازدواج دو زوج با رشته های مسیحی مختلف را صادر کرد، که شخص کاتولیک حاضر باشد، خطراتی را که موجب بی ایمانی اومی شود از بین ببرد و با تمام قدرت هر کاری را انجام دهد تا فرزندان او در کلیسای کاتولیک تعمید داده شوند و تعلیم و تربیت شوند.

تا وقتی که این تقاضاها انجام شوند و زن و شوهر از خطر بی تفاوتی نسبت به مذهب دور باشند، ازدواج افراد با رشته های مختلف مسیحی می تواند حتی راهی به سوی اتحاد دوباره مسیحیان شاخه های مختلف باشد. ازدواج دو نفر با رشته های متفاوت مسیحی فقط زمانی اعتبار دارد که در مقابل مقام دفتری کاتولیک و

همچنین در دفتر ازدواج پروتستانی البته با توجه به ادای فرم صحیح خطبه ازدواج و یا در دفتر ثبت احوال انجام شود.

اما مراسم ازدواج مشترکی برای دو نفر با رشته های متفاوت مسیحی وجود ندارد. یعنی نمی توان در یک مراسم ازدواج، هم خطبه عقد کاتولیکی خوانده شود و هم خطبه عقد پروتستانی. فقط این امکان وجود دارد که کشیش پروتستان، مراسم آئین قرائت کلام خدا را، در جلسه اجرا نماید. به این نوع ازدواج "عروسی مشترک کلیسایی" گفته می شود. اما بطور کلی مراسم یک عروسی به این شکل صورت می گیرد: "اگر مراسم عروسی در کلیسای کاتولیک برگزار شود، کشیش کاتولیک از زن و مرد می پرسد که آیا آنها با هم اتفاق نظر و تفاهم دارند یا نه؟ و اگر مراسم عروسی در کلیسای پروتستان برگزار شود، کشیش پروتستان نیز از تفاهم و اتفاق نظر آنها سؤال می کند. اما کشیشها به هیچ عنوان اجازه ندارند که با هم دیگر یا درست پشت سر هم، تفاهم و اتفاق نظر آنها را سؤال کنند.

۲۲. نظر کلیسا راجع به ازدواجهای امتحانی چیست؟

پاپ می گوید: "نمی توان فقط امتحانی زندگی کرد، نمی توان فقط امتحانی مرد. انسان نمی تواند فقط امتحانی عشق بورزد یا امتحانی و فقط برای زمانی محدود یک انسان را بپذیرد".

وقتی مسیحیان بدون اینکه با هم ازدواج کرده باشند، با هم روابط جنسی برقرار می کنند، این ازدواج نیست بلکه فحشاء و فساد است. پولس رسول می گوید: "به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته اید وفادار باشید و پیوند زناشویی تان را از آلودگی دور نگه دارید، زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد" (عبرانیان ۱۳: ۴). "این حقیقت چون روز روشن است که ملکوت خدا و مسیح، جای اشخاص بی عفت، ناپاک و طمعکار نیست، بلی کسی که به مال و ناموس دیگران طمع دارد، بت پرست است، زیرا مال دنیا را بیشتر از خدا دوست دارد" (افسیسیان ۵: ۵).

امور جنسی و سکس به هیچ وجه فقط عملی بیولوژی نیستند، بلکه به درونی ترین هسته انسانی مربوط می شوند. ارتباط جنسی کامل داشتن با یک نفر فقط در چهارچوب ازدواج ممکن است. اگر شخصی بدن خود را به طور کامل به شخص دیگر تقدیم کند، اما بدون اینکه نشانه و ثمره تقدیم و ایثار کامل شخصی باشد، این ایثار بدنی تنها یک دروغ است.

همچنین وضعیت کاتولیکهایی، که فقط تعمد داده شده اند، اما به دیگر راز مقدسها، مثلاً راز مقدس ازدواج پایبند نیستند، برای کلیسا غیر قابل قبول است. آنها اجازه ندارند راز مقدسها را دریافت کنند. ازدواج راز مقدسی، تصویری است از عشق و محبت مسیح به کلیسایش و در ارتباطی نزدیک و اویخاریستی قرار دارد. "ارتباط

جنسی غیر راز مقدسی و یا ازدواجی بی اعتبار نمی تواند رابطه ای با کلیسا و اوکاریستی داشته باشد".

۲۳. کلیسا راجع به اشخاص طلاق گرفته ای که دوباره ازدواج کرده اند، چه می گوید؟

اگر زندگی زناشویی از هم پاشیده شود، زن و مرد اجازه دارند از هم جدا شوند، اما دیگر نمی توانند دوباره ازدواج کنند. کلیسا نمی تواند بر خلاف خواست مسیح اقدام کند، زیرا او طلاق و ازدواج دوباره بعد از طلاق را به شدت محکوم می کند: "عیسی به ایشان فرمود: اگر مردی همسر خود را طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند نسبت به همسرش زنا کرده است. همچنین اگر زنی از شوهرش جدا شود و با مرد دیگری ازدواج کند او نیز زنا کرده است" (مرقس ۱۰: ۱۱) و پولس رسول کاملاً می داند که عیسی خود شخصاً در رابطه با ازدواج این امور را ممنوع کرده است.

به این دلیل کلیسا اجازه نمی دهد که افرادی که بعد از طلاق دوباره ازدواج کرده اند، اوکاریستی و راز مقدس اعتراف به گناهان را دریافت کنند، البته تا زمانی که از اشتباه و گناه خود پشیمان شوند و راه زندگی شان را عوض کنند و طوری ازدواج کنند که بر خلاف غیر قابل فسق بودن ازدواج نباشد". زیرا کلیسا نمی تواند تعلیم عیسی را نادیده بگیرد و در جایی که به راز مقدس ازدواج بی توجهی می شود، دیگر راز مقدس ها را ارائه دهد. پشیمانی، یعنی بازگشت به سوی خدا و رهائی از وابستگی های ضد خدائی. پس زن و مرد نمی توانند در "رابطه ای جدید، یعنی ازدواج دوباره" به عنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی کنند. ممنوع کردن راز مقدسها بر آنهایی که بعد از طلاق دوباره ازدواج کرده اند، با خواست و اراده مسیح، متناسب است: هیچ پاستورال مسیحی، نمی تواند بر خلاف خواسته واضح مسیح، بر خلاف اخلاق کلیسایی، عمل کند. آنانی که ازدواجی باطل کرده اند و آنانی که همانند زن و شوهر، قبل از ازدواج با یکدیگر زندگی می کنند و رابطه جنسی دارند، در زنایی دائمی نسبت به جفت قبلی خود زندگی می کنند و دائماً گناه سنگینی بر دوش خود حمل می کنند.

اما آنانی که بعد از طلاق دوباره ازدواج کرده اند، نباید احساس کنند که از کلیسا طرد شده اند زیرا آنها به عنوان تعمیدگرفتن می توانند در مراسمات کلیسایی، شرکت کنند، و حتی موظف به شرکت در آن نیز هستند. آنها باید کلام خدا را گوش دهند، در مراسم های کلیسایی شرکت کنند اما نان و شراب را دریافت نکنند، همواره در دعا باشند، و کلیسا را در انجام اعمال نیکوکارانه و اجرای عدالت حمایت کنند، کودکانشان را مسیحی تربیت کنند و در توبه زندگی کنند، طوری که هر روز بیش از پیش، فیض و برکت خداوندی را برای خود طلب کنند.

کلیسا باید برای آنها دعا کند، به آنها شهادت بخشد و برای آنها همانند مادری
مهربان و باگذشت باشد تا آنها را بدین وسیله در ایمان و امید قوت بخشد و آنهایی
که دوباره ازدواج کرده اند می توانند، مسلماً برکت کشیش را نیز دریافت کنند
یعنی نزد کشیش بروند تا او آنها را برکت دهد.

